بسم الله الرحمن الرحيم

فصلنامهٔ مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز
سال سی و یکم، شمارهٔ ۱۳۰، تابستان ۱۴۰۴، صص ۲۲۲ - ۱۹۷

الگوی روابط ایران با جمهوری آذربایجان با رویکرد نظریه داده‌بنیاد

زهرا باقری[۱]
زهرا سادات مشیر استخاره[۲]

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی الگوی تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با کشور آذربایجان با رویکرد کیفی و با استفاده از روش داده‌بنیاد انجام شده است. جامعه آماری شامل مدیران ارشد نظام، سیاست‌گذاران، و اساتید حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل است. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و گلوله‌برفی انجام شد و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های اکتشافی گردآوری شدند. براین‌اساس، الگوی تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با کشور آذربایجان شامل پنج مؤلفه اصلی شرایط علّی، شرایط زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها است. یافته‌های این پژوهش می‌توانند به سیاست‌گذاران حوزه روابط بین‌الملل در بهبود و توسعه تعاملات سیاسی و اجتماعی کمک کنند.

▪ واژگان کلیدی:
تعاملات سیاسی و اجتماعی، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، تحقیق کیفی.

درجهٔ مقاله: علمی ـ پژوهشی
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

[۱]. دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
zahrabagheri700@gmail.com
[۲]. نویسنده مسئول و استاد جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران ، جمهوری اسلامی ایران. zahramoshir@yahoo.com

مقدمه

در سال‌های اخیر، نگارش و انتشار متون مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی افزایش چشمگیری داشته است. حجم قابل توجهی از تحقیقات اخیر در زمینه روابط بین‌الملل این گزاره را مطرح می‌کند که سیاست داخلی معمولاً بخش مهمی از تبیین سیاست‌های خارجی دولت‌ها است. اهداف سیاست خارجی هم شامل تقویت ارتباطات دیپلماتیک و هم مشارکت در همکاری‌های سازنده بین‌المللی بوده است. برقراری ارتباطات دوجانبه و چندجانبه، مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی و مذاکره برای حل مشکلات مشترک، همگی نمونه‌هایی از فعالیت‌های دیپلماتیک هستند. دولت‌ها از این ارتباطات برای ایجاد اتحاد، حل‌وفصل درگیری‌ها و دفاع از منافع خود در مقیاس جهانی استفاده می‌کنند. سیاست خارجی همچنین برای ارتقای صلح و امنیت بین‌المللی از طریق مشارکت در حل مناقشه، عملیات حفظ صلح، و برنامه‌های کنترل تسلیحات به‌منظور کاهش تنش‌های جهانی و حفظ ثبات تلاش می‌کند (Saaida, 2023 :159). به اعتقاد جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی نقش مهمی را در سرنوشت کشورها بازی می‌کند، به همین دلیل شناخت سیاست خارجی دولت‌ها و تبیین زوایای پنهان و پیدای آن از جمله دغدغه‌های اندیشمندان حوزه روابط بین‌الملل، سیاست بین‌الملل و علوم سیاسی به شمار می‌رود توجه به تعاملات سیاسی و اجتماعی به‌طورکلی می‌تواند به طور قابل‌توجهی به ارائه مواضع سیاست خارجی یک دولت و به مخاطبان داخلی و خارجی کمک نماید (Azeez, 2023 : 192)

کراب[1] (۱۹۷۲) اظهار داشت: «سیاست خارجی شامل اهداف ملی و ابزارهای دستیابی به آنها است. تعامل بین اهداف ملی و منابع دستیابی به آنها موضوع همیشگی نظام اداری یک کشور است. سیاست خارجی همه ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ در اجزای آن یکسان است.» بنابراین، یکی از عناصر سیاست خارجی ابزار دستیابی به اهداف یک کشور و یکی از ابزارهای مهم سیاست خارجی، دیپلماسی است (Ismail & noor, 2020 : 11). هدف دیپلماسی و تعاملات عمومی دستیابی به افکار عمومی خارجی و شکل‌دادن به ادراکات خارجی است که به‌عنوان پایه‌ای برای اقدامات سایر کشورها عمل می‌کند (Kobierecka, 2023: 284). دیپلماسی در معنای وسیع خود به انجام امور انسانی با ابزارهای مسالمت‌آمیز، با استفاده از تکنیک‌های متقاعدسازی و مذاکره اشاره دارد. در حوزه خاص‌تر سیاست بین‌الملل، از طریق استفاده از چنین تکنیک‌هایی، به‌عنوان یکی از فرایندهای کلیدی مشخص‌کننده نظام بین‌الملل و نهادی تعیین‌کننده از نظام دولت‌های مستقل، تلقی می‌شود (Lee & hocking, 2015: 29)

---

[1]. Crabb

تعاملات سیاسی و اجتماعی نقش حیاتی در شکل‌گیری سیاست خارجی یک کشور دارند. این تعاملات به عنوان عوامل مؤثر، قوانین و مقرراتی که یک کشور در روابط بین المللی اجرا می‌کند و رفتار آن با سایر کشورها و ارگان‌های بین‌المللی مشترک است، تأثیر می‌گذارند (Cortell & davis, 1996: 453). از طرفی تعاملات سیاسی و اجتماعی در شناسایی و تعیین منافع ملی کشورها نقش مهمی دارند. این تعاملات با درنظرگرفتن منافع و نیازهای ملی به شکل گیری سیاست خارجی کمک می‌کنند و تلاش می‌کنند تا امنیت ملی را برقرار کنند (donohue, 2011: 186).

مطالعه حاضر با هدف شناسایی الگوی تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با جمهوری آذربایجان انجام می‌شود. در همین خصوص بایستی اشاره کرد پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان روابطی پیچیده و چندبعدی را تجربه کرده‌اند. این روابط تحت‌تأثیر عوامل مختلفی نظیر مسائل ژئوپلیتیکی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و امنیتی قرار گرفته است. باتوجه به جایگاه راهبردی آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی و هم‌جواری آن با ایران، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به این کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تعاملات سیاسی و اجتماعی میان ایران و آذربایجان همواره تحت تأثیر متغیرهایی همچون منافع ملی، هویت دینی، رقابت‌های منطقه‌ای و مداخلات بازیگران فرامنطقه‌ای بوده است. برخی دوره‌ها شاهد همکاری و تعامل مثبت بوده‌ایم، درحالی‌که در برخی مقاطع تنش‌ها و رقابت‌های ژئوپلیتیکی تشدید شده‌اند. این نوسانات، ضرورت شناخت الگوی تعاملات سیاسی و اجتماعی ایران در سیاست خارجی با آذربایجان را دوچندان می‌کند. در حقیقت شناخت الگوی روابط ایران و آذربایجان می‌تواند در تدوین سیاست‌های کارآمدتر و بهینه تر در حوزه سیاست خارجی مؤثر باشد. از سوی دیگر، بررسی این تعاملات به درک بهتر روندهای منطقه‌ای و تأثیرات آن بر منافع ملی ایران کمک خواهد کرد. درنهایت، یافته های این پژوهش می‌توانند مبنای علمی برای تصمیم‌سازی‌های کلان در روابط دوجانبه قرار گیرند.

در این راستا، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد تلاش دارد الگوی تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی نسبت به جمهوری آذربایجان را شناسایی و تبیین کند. نظریه داده‌بنیاد به‌عنوان یک روش کیفی مبتنی بر تحلیل داده‌های تجربی، امکان کشف الگوهای معنادار و تبیین پدیده‌های پیچیده در سیاست خارجی را فراهم می‌آورد.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق. سیاست خارجی اغلب به‌عنوان فعالیتی در «مرز» میان عرصه‌های داخلی و خارجی در نظر گرفته می‌شود. هرچند این دو حوزه هرگز به طور کامل از یکدیگر مجزا نبوده‌اند، اما در عصر جهانی‌شدن، این مرز به‌مراتب نفوذپذیرتر و منعطف‌تر شده است. جهانی‌شدن به‌عنوان فرایندی چندبعدی و محل مناقشه، موجب درهم‌تنیدگی فزایندهٔ فعالیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوبی یکپارچه از کنش‌های جهانی شده است.(Alden & Aran, 2016: 314)

در ادبیات مرتبط با سیاست خارجی، تعاریف متنوعی مطرح شده‌اند؛ برخی از این تعاریف بر طیفی از اقدامات یا قواعد حاکم بر اقدامات در محیط بین‌المللی تأکید دارند. برای نمونه، سیاست خارجی را «مجموعه‌ای از اقدامات یا مقرراتی که رفتار یک بازیگر سیاسی مستقل در صحنه بین‌المللی را هدایت می‌کند» تعریف کرده‌اند .(Morin & Paquin, 2018: 165) گروهی دیگر، تمرکز خود را بر نقش دولت به‌عنوان فاعل اصلی سیاست خارجی قرار داده‌اند و این مفهوم را چنین بیان می‌کنند: «مجموع روابط رسمی یک بازیگر مستقل (اغلب یک دولت) در عرصه بین‌المللی.(Brighi & Hill, 2008: 65) »

بااین‌حال، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی حوزه‌ای است که پیوند میان ابعاد داخلی و خارجی کنش‌های یک دولت را برجسته می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که هم به ساختارهای سیاست داخلی و هم به عوامل برون‌مرزی وابسته است؛ بنابراین، هرگونه تحلیل عمیق و واقع‌گرایانه از سیاست خارجی یک دولت، باید این عوامل متقابل و فرایندهای مؤثر بر دو عرصه داخلی و خارجی را در بر گیرد و به‌درستی درک کند.

در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل تعاملات بسیار مهم است. تعاملات سیاسی به معنای برقراری ارتباطات و روابط میان افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در حوزه سیاسی است. این تعاملات شامل تعاملات داخلی یک کشور، مذاکرات و توافقات بین کشورها، روابط دولت‌ها، حزب‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های مرتبط با سیاست و دیگر نهادها در حوزه سیاسی است. درک رفتار سیاست خارجی دولت‌ها معمولاً مستلزم تحلیل فرایندهای تصمیم‌گیری است. قابلیت‌های بازیگران و عوامل محیطی مؤثر بر آن‌ها کاملاً مهم است، زیرا پایه‌هایی را فراهم می‌کنند که تصمیم سیاست خارجی را تعیین می‌کنند. بااین‌حال رفتار سیاست خارجی مستلزم یک تعامل دوطرفه است در حقیقت «نتیجه نهایی رفتار سیاست خارجی یک دولت در تعامل با رفتارهای سیاست خارجی سایر کشورها» است (Breuning, 2007: 241). در محیط بین‌الملل، انبوهی از بازیگران در تصمیم‌گیری سیاست خارجی دخیل هستند که

ماهیت، مواضع، تفکر و عملکرد آنها تحت‌تأثیر ساختارها و ساختارهای داخلی و بین‌المللی قرار می‌گیرد. سطوح در مقابل، شخصیت و ترکیب این ساختارها نیز با اقدامات عمدی این بازیگران دگرگون می‌شود (Holsti, 1989).

در نهایت این که در روابط بین‌الملل، تعاملات اجتماعی نیز مهم است. تعامل اجتماعی ابتدایی‌ترین واحد تحلیل جامعه شناختی است و مطالعه رفتار و اینکه رفتار چگونه در فرایند تعامل اجتماعی نقش دارد به طور طولانی در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی موردبحث قرار گرفته است. چنین رشته‌هایی نحوه تشکیل گروه‌ها و تعاملات آنها را با جزئیات بررسی می‌کنند. تعامل اجتماعی به طور طبیعی یک نقطه کانونی در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بوده است که در آن نقش تعامل اجتماعی در درک طیف وسیعی از موضوعات موردبررسی قرار گرفته است. بروک[1] (۲۰۱۰) بر تأثیرات تعاملات اجتماعی و فرهنگی بر تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی تأکید می‌کند و معتقد است که سیاست خارجی کشورها نمی‌تواند تنها بر اساس اصول واقع‌گرایانه توضیح داده شود؛ بلکه باید به متغیرها و تعاملات فرهنگی و اجتماعی نیز توجه شود او همچنین به بررسی پویایی‌های داخلی کشورها و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌های خارجی پرداخته و به تحلیل تعاملات بین‌المللی از دیدگاه‌های چندگانه پرداخته است (Broek, 2010: 141).

طبقهٔ متوسط از مهم‌ترین اقشار اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته به‌حساب می‌آید. این طبقه به علت برخورداری از اندوخته‌ها و ظرفیت‌های وسیع، نیروی اصلی دگرگونی‌های سیاسی به شمار می‌رود (عیوضی، ۱۳۹۸: ۱۴۳). طبقهٔ متوسط بخشی از جامعه است که در جایگاهی میان بالاترین و پایین‌ترین طبقات قرارگرفته است و از ویژگی‌های اعضای آن می‌توان به سطح بالای پیوستگی، درآمد، مصرف، مالکیت مادی، روشنفکری و استعداد و مهارت چشمگیر اشاره کرد (مسعودنیا و محمدی‌فر، ۱۳۹۰: ۶۳). کارل مارکس هم طبقهٔ متوسط را بین طبقهٔ سرمایه دار و طبقه کارگر می‌داند که محصول مناسبات اقتصادی دوران خویش است (بشیریه، ۱۳۹۵: ۵۵).

با مرور پیشینه تحقیق برخی از عوامل مرتبط با تعاملات سیاسی و اجتماعی در سیاست‌های خارجی بر اساس مطالعات گذشته شناسایی و به طور خلاصه در جدول زیر ارائه شد.

---

[1]. Broek

جدول ۱. عوامل مرتبط با تعاملات سیاسی و اجتماعی در سیاست خارجی

ردیف	عوامل مرتبط با تعاملات سیاسی و اجتماعی در سیاست‌های خارجی	منبع
۱	رهبران	تیررس[1] (۲۰۲۴)
۲	امنیت ملی	اوزجان[2] (۲۰۲۳)
۳	مشارکت سیاسی	دینیز و ریبیرو[3] (۲۰۲۳)
۴	تلاش‌های دیپلماسی	کوبیرچکا[4] (۲۰۲۳)
۵	ساختار دولت	گوردل و ولگی[5] (۲۰۲۲)
۶	نخبگان سیاسی	ساندرز[6] (۲۰۲۲)
۷	هنجارها، تعاملات، هویت جمعی، هویت سیاسی، هویت دولتی، هویت ملی و منافع ملی	ارباس[7] (۲۰۲۲)
۸	ویژگی‌های شخصیتی رهبران	تیررس و ونر[8] (۲۰۲۲)
۹	فن‌آوری‌ها و رسانه‌ها، شیوه‌ها و ابزارهای ارتباطی	شلودیاکوا[9] و
۱۰	قدرت	درزنر[10] (۲۰۲۱)
۱۱	استراتژی‌های اقتصادی مشخص، عدم مقاوم سازی اقتصاد ملی، جهت گیری انفعالی در سیاست خارجی کشور و اثر پذیری تحریم‌ها	اسلامیان و حبیبی (۱۳۹۹)
۱۲	استفاده از تکنیک های دیپلماسی و برقراری ارتباط های عقلایی با بازیگران دیگر در عرصه بین‌المللی	مهرابی (۱۳۹۸)
۱۳	عوامل ژئوپلیتیک، دیپلماسی و امنیت ملی	پارسایی و همکاران (۱۳۹۸)
۱۴	تعامل، رقابت، تهدیدات امنیتی	محمودی کیا و فرهادی
۱۵	فساد، بی‌اعتمادی عمومی	پرچمی و جلالی (۱۳۹۵)
۱۶	توسعه ارتباطات	پامنت[11] (۲۰۱۶)
۱۷	حفاظت از حاکمیت ملی، استقلال سیاسی، تقویت	سعیدا[12] (۲۰۲۳)

1. Thiers
2. Özcan
3. Diniz & Ribeiro
4. Kobierecka
5. Gordell & Volgy
6. Saunders
7. Erbas
8. Thiers & Wehner,
9. Sheludiakova
10. Drezner
11. Pamment
12. Saaida

	پیوندهای تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تضمین دسترسی به منابع و بازارها در دنیای جهانی شده	
۱۸	سیاست خارجی مقاومت‌جویانه با حفظ تمامیت ارضی و وحدت سرزمینی کشور، صیانت از ارزش‌های بنیادین نظام سیاسی، تقویت روحیه خودباوری و درنتیجه، دستیابی به استقلال و آزادی عمل در عرصه ملی و بین‌المللی	محمودی کیا(۱۴۰۲)

منبع: یافته‌های پژوهشگران

روش تحقیق. این پژوهش با هدف تدوین الگویی جامع از تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با جمهوری آذربایجان و با بهره گیری از رویکرد نظریه داده بنیاد انجام گرفته است. تمرکز این مطالعه بر شناسایی و تحلیل ابعاد چندوجهی، عمیق و راهبردی روابط میان دو کشور است؛ زیرا مطالعات پیشین نه‌تنها فاقد چارچوبی جامع بوده‌اند، بلکه به طور خاص به بررسی ساختارمند روابط ایران و آذربایجان نپرداخته‌اند. ازاین‌رو، پژوهش حاضر با استفاده از روش‌شناسی کیفی و بهره‌گیری از داده‌های تجربی، به واکاوی عناصر مؤثر بر این تعاملات پرداخته است؛ از جمله شرایط علّی، عوامل زمینه‌ای، متغیرهای مداخله‌گر، راهبردهای کنش و در نهایت پیامدهای حاصل از آن.

از حیث هدف، این تحقیق کاربردی بوده و از نظر روش، کیفی و پیمایشی محسوب می‌شود. داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و همچنین بررسی منابع مکتوب در حوزه سیاست خارجی ایران و آذربایجان گردآوری شده‌اند. جامعه آماری شامل مدیران ارشد سیاسی و اساتید دانشگاهی در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی بوده و نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و گلوله‌برفی تا رسیدن به اشباع نظری انجام شده است. در نهایت، تعداد ۱۲ مشارکت‌کننده واجد شرایط برای پوشش کامل ابعاد الگوی موردنظر شناسایی شدند.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته‌ای به مدت ۳۰ تا ۶۰ دقیقه بود که مجموعه‌ای از پرسش‌های تخصصی برگرفته از ادبیات تحقیق و نیز سؤالات نظریه‌محور مبتنی بر رویکرد داده‌بنیاد را در بر می‌گرفت. این سؤالات در چارچوب پنج محور اصلی شامل شرایط علّی، پدیده محوری، شرایط مداخله‌گر، زمینه‌ها، راهبردها و پیامدها طراحی و اجرا شدند.

۱.یافته‌های پژوهش

برای تحلیل داده‌ها، از فرایند سه‌مرحله‌ای کدگذاری شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. در مرحله نخست، پژوهشگران با مطالعه دقیق مصاحبه‌ها، داده‌های مشابهی را که دارای بار معنایی مشترک بودند، شناسایی کرده و آن ها را ذیل کدهای مشترک قرار دادند. سپس به هر یک از این کدها، مفاهیم متناسبی اختصاص داده شد. این مرحله که به کدگذاری باز معروف است، منجر به استخراج مجموعه‌ای از مقوله‌های اولیه مرتبط با تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با جمهوری آذربایجان شد.

هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری نیز به‌صورت مستمر انجام می‌گرفت. در این مرحله، نمونه گیری باز صورت پذیرفت؛ بدین معنا که افرادی انتخاب شدند که بیشترین و مرتبط‌ترین اطلاعات را در اختیار داشتند. تحلیل داده‌ها بدون پیش‌فرض درباره تفاوت‌های فردی انجام شد تا اطمینان حاصل گردد که مفاهیم استخراج‌شده، از نظر نظری، معنادار و قابل‌اتکا هستند. در ادامه، با گسترش دامنه مصاحبه‌ها، به‌تدریج فهرست دقیق‌تری از پرسش‌های کلیدی و افراد هدف برای مصاحبه‌های تکمیلی مشخص شد.

در طی این فرایند، مضامین متعددی به دست آمد که طی بازبینی و تحلیل رفت‌وبرگشتی داده‌ها، به مجموعه‌ای از مقوله‌های اصلی تقلیل یافتند. لازم به ذکر است که باتوجه‌به محدودیت حجم مقاله، جدول شماره ۲ تنها نمونه‌ای از کدگذاری باز را به نمایش می‌گذارد.

جدول ۲. کدگذاری باز و اولیه مصاحبه ها

شماره کد	شرح کد	منبع کدها
۱	آرمان‌گرایی و واقع‌بینی	۱
۲	حمایت از نخبگان	۴
۳	حمایت از مطبوعات داخلی	۱۰
۴	حضور فعال و مؤثر در جهان اسلام	۴
۵	الهام‌بخشی	۲
۶	عقل‌گرایی نرمال و منطقی	۲
۷	دعوت از نخبگان سیاسی سایر کشورها برای حضور در کشور	۶
۸	تقویت اعتماد به‌نظام سیاسی کشور	۷
۹	ایجاد تعادل و توازن بین منافع ملی و مصالح کشور	۱۲

شماره کد	شرح کد	منبع کدها
۱۰	دیپلماسی قوی، فعال و تعامل‌گرا	۱

منبع: یافته‌های پژوهشگران

پس از انجام کدگذاری باز اولیه بر روی هر یک از مصاحبه‌ها، تمامی داده‌های ارائه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان به‌دقت بررسی و تحلیل شدند. در این مرحله، حدود ۵۴۰ کد اولیه از مجموع مصاحبه‌ها استخراج گردید. در گام بعدی، با هدف ارتقاء دقت و انسجام تحلیلی، کدهای تکراری یا دارای مضامین مشابه شناسایی و ادغام شدند و بسیاری از موارد زائد و کم‌اهمیت نیز حذف گردید. در نتیجه، تعداد کدهای نهایی به ۱۸۳ مورد کاهش یافت.

در مرحلهٔ بعد، این کدهای نهایی وارد فاز کدگذاری محوری شدند. در این فرایند، با تحلیل روابط میان کدها، مقوله‌ها و مفاهیم اصلی شناسایی گردیدند و ساختار نظام‌مندتری برای سازمان دهی داده ها ایجاد شد. به بیان دیگر، کدها در یک سطح بالاتر، در قالب مقوله‌های کلان، زیرمقوله‌ها و مفاهیم استخراج‌شده، طبقه‌بندی شدند. این دسته‌بندی‌ها به پژوهشگر این امکان را داد که به درکی عمیق‌تر و منسجم‌تر از مضمون‌های تکرارشونده در مصاحبه‌ها دست یابد.

در نهایت، برای هر یک از مصاحبه‌ها، فرایند کدگذاری محوری به‌صورت دقیق و نظام‌مند انجام شد. لازم به ذکر است که به دلیل محدودیت در حجم مقاله، تنها بخشی از این کدها، مقوله‌ها و مفاهیم استخراج‌شده در متن نهایی پژوهش ارائه شده‌اند، اما تمامی آن‌ها در تحلیل کیفی به‌عنوان پایهٔ استنتاج‌های نظری مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جدول ۳. مفاهیم و کدهای باز مستخرج از مصاحبه ها

زیر مقوله‌ها	کدهای باز
واقعیت‌گرایی	آرمان‌گرایی و واقع‌بینی
	عقل‌گرایی نرمال و منطقی
	الهام‌بخشی
	داشتن آگاهی و اطلاعات واقعی از اصول بین‌المللی
	نداشتن بینش مطلق‌گرایی
	ابتناء سیاست خارجی بر آرمان‌ها و واقعیت‌های موجود

زیر مقوله‌ها	کدهای باز
	پایش و توجه مداوم به واقعیت‌های جدید صحنه بین‌المللی
حمایت‌ها	حمایت از نخبگان
	حمایت از مطبوعات داخلی
	اهمیت نظرات نخبگان سیاسی کشور
	حمایت از نخبگان سیاسی سایر کشورها برای حضور در کشور
خدمت‌رسانی به نخبگان	خدمت رسانی به ایرانیان خارج از کشور حامی نظام
	خدمت‌رسانی بی‌دریغ به نخبگان سیاسی
	همکاری بیشتر با نخبگان سیاسی
مشارکت	مشارکت بیشتر مردم در تصمیم‌های ملی
	همراهی و مشارکت مردم
	استقبال و همراهی، مشارکت با دیدگاه نقادانه نخبگان جامعه
	هم‌اندیشی جامعی در خصوص تحولات صحنه بین‌المللی
	میزان مشارکت مردم در مسائل ملی
	داشتن روحیهٔ مشارکتی
	همگرایی بیشتر مردم با مسئولان نظام کشور
	تقویت مشارکت در انتخابات ملی

منبع: یافته‌های پژوهشگران

به طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان داد که ۳۷ مفهوم محوری (مضمون اصلی) و ۱۸۳ زیرمفهوم (مضمون فرعی) به‌عنوان ابعاد و مؤلفه‌های الگوی تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با کشور جمهوری آذربایجان در چارچوب سیاست خارجی قابل شناسایی هستند. تمامی این مقولات، دارای میانگین بالاتر از ۳ بوده و از نظر آماری و تحلیلی، معنادار ارزیابی شده‌اند.

در گام نهایی تحلیل کیفی، کدگذاری انتخابی (Selective Coding)نیز صورت گرفت. در این مرحله، پژوهشگر با تمرکز بر وجوه مشترک و هم‌پوشان مفاهیم استخراج‌شده از مراحل قبلی، اقدام به طبقه‌بندی نهایی و تلفیق آن‌ها در قالب دسته‌های کلی‌تر و ساخت‌یافته‌تر نمود. در واقع، مفاهیم فرعی که از نظر معنایی نزدیکی زیادی با یکدیگر داشتند، در یک مجموعه مفهومی واحد تلفیق شده و به‌صورت یک مقوله کلان تعریف گردیدند.

در ابتدای فرایند تحلیل، حجم گسترده‌ای از مضامین اولیه به دست آمد؛ اما با بهره‌گیری از روش تحلیل رفت‌وبرگشتی داده‌ها و با هدف ارتقای انسجام مفهومی، این مجموعه بزرگ

از کدها به تعداد محدودتری تقلیل یافت. بدین صورت که تمامی کدهای اولیهٔ تکراری یا مشابه که از منظر مفهومی هم‌راستا و هم‌معنا بودند، در قالب خوشه‌های مفهومی یکپارچه‌سازی شدند. این خوشه‌ها به نوبه خود ساختار مقوله‌های نهایی پژوهش را شکل دادند.

نتایج حاصل از این مرحله در جدول شماره ۴ ارائه شده است (با توجه به محدودیت فضای مقاله، تنها بخش‌هایی از کدگذاری انتخابی در متن اصلی گزارش شده است).

جدول ۴. کدگذاری انتخابی مصاحبه‌ها

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم و کدها
راهبردها و اقدامات	تعادل‌گرایی	ایجاد تعادل و توازن بین منافع ملی و مصالح کشور
		همگرایی با مخالفان
		کنارگذاری اختلافات ایدئولوژیکی با همسایه‌ها
		ایجاد صلح و ثبات
		رهایی از وابستگی به بیگانه
		تقویت اهداف مشترک بین کشورها
	تنش‌زدایی	اجرای دقیق و هدفمند سیاست تنش‌زدایی
		کاهش تنش حقوق بشری
		انبساط فضای سیاسی
		کاهش تنش‌ها و تنش‌زادیی
		تنش زادیی در ارتباط با تصویرهای غیرواقعی و منفی موجود
		تلاش برای افزایش مشروعیت سیاسی نظام در عرصه های بین المللی
	کنترل افکار عمومی	هنجارسازی برای جهت دهی به افکار عمومی منطقه ای و بین المللی
		مدیریت و جهت دهی به افکار عمومی
	کنترل رسانه ها	تقویت زیرساخت های رسانه ای
		توسعه رسانه ها
	تقویت قدرت سخت	تقویت قدرت نظامی
		تقویت شبه نظامیان محور مقاومت
		برگزاری رزمایش نظامی مشترک
		تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال
		هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی – امنیتی

		ارتقای توان دفاعی و بازدارندگی جمهوری اسلامی
		توان موشکی
		تعیین سیاستهای دفاعی –امنیتی کشور در محدوده سیاستهای کلی تعیین شده
		تقویت جبهه مقاومت

منبع: یافته‌های پژوهشگران

با توجه به آنچه که در قسمت‌های قبل ارائه شد ارتباط فی‌مابین مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شکل‌گرفته در اطلاعات و داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، نشان می‌دهد الگوی پارادایمی شکل‌گرفته با شکل اصلی مدل پارادایمی اشتراس وکربین(۱۹۹۸) منطبق است. به این صورت که شرایط علی تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با جمهوری آذربایجان بر پدیده اصلی تأثیر دارد و پدیده‌محوری تحت شرایط علی است. پدیده محور خود بر راهبردها تأثیر می‌گذارد. راهبردها نیز تحت‌تأثیر شرایط زمینه‌ای و متغیرهای مداخله‌گر قرار دارد. در نهایت راهبردهای تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با جمهوری آذربایجان نیز بر پیامدهای تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی تأثیر دارد. الگوی حاصل شده را می‌توان در قالب یک بیان روایتی داستان‌گونه بر آمده از داده‌ها بیان نمود تا تفسیر مجمل و گویایی از آن به دست آید. بیان روایتی در حقیقت مغز اصلی کدگذاری انتخابی و تئوری پژوهشگر در پژوهش به‌حساب می‌آید. تعاملات سیاسی و اجتماعی در سیاست خارجی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد و با تأثیرپذیری از شرایط علی، منجر به شکل‌گیری راهبردهای توسعه تعاملات سیاسی و اجتماعی می‌گردد. به‌علاوه این کنش‌ها در بستر شرایط زمینه‌ای شکل می‌گیرند و هم‌زمان از شرایط محیطی و مسائل و مداخله‌گر تأثیر می‌پذیرند. نهایتاً این که چنین کنش‌ها و واکنش‌هایی، پیامدهایی مثبت و منفی به همراه دارد و سبب توسعه تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با کشور آذربایجان می‌شود.

۲. مدل تعاملات سیاست خارجی ایران

تعاملات سیاسی و اجتماعی در سیاست خارجی یکی از عوامل اصلی در تعیین راهبردهای کشورها و ارتباطات بین‌المللی است. این تعاملات شامل مذاکرات دیپلماتیک، توافقات بین‌المللی، تحریم‌ها، تجارت، همکاری‌های نظامی و سیاست‌های برنامه‌های توسعه انسانی

است. این تعاملات می‌تواند تأثیرگذار بر روابط بین‌المللی و موقعیت هر کشور در جهان باشد. همان طور که مشخص است مدل تعاملات سیاسی و اجتماعی دارای ابعاد و عناصر زیادی است که در شکل زیر مدل داده‌بنیاد نهایی ارائه شده است

شکل۱. مدل داده‌بنیاد تحقیق

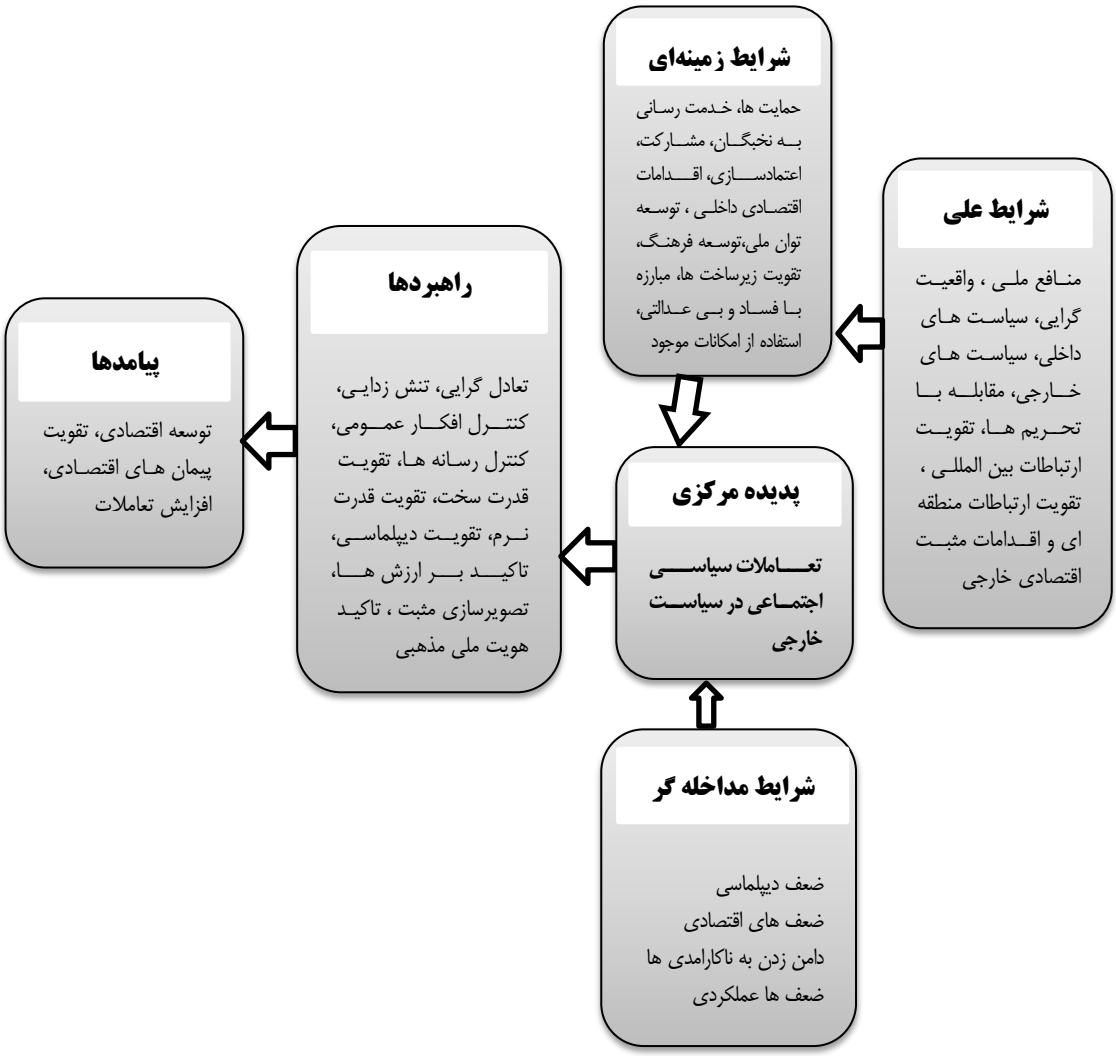

منبع: یافته‌های پژوهشگران

شرح اجزای مدل داده‌بنیاد بر اساس نتایج حاصل از تحقیق. در ادامه، به تبیین و تشریح اجزای مدل داده‌بنیاد پرداخته می‌شود که بر مبنای نتایج استخراج‌شده از تحلیل یافته‌های پژوهش شکل گرفته است. در این مدل، «پدیده محوری» به‌عنوان رخداد یا واقعه‌ای در نظر گرفته می‌شود که مجموعه‌ای از کنش‌ها و اقدامات پیرامون آن شکل می‌گیرد و هدف اصلی جهت‌گیری این اقدامات، مدیریت و سامان‌دهی آن پدیده است. در چارچوب این پژوهش، پدیده محوری تحت عنوان »الگوی تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با جمهوری آذربایجان» تعریف شده است.

شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها در تبیین این الگو، بر مفاهیمی کلیدی تأکید داشته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به‌ضرورت گسترش تعاملات سیاسی و اجتماعی در آینده، احساس نیاز به ارتباط مؤثر سیاسی و اجتماعی، تحولات ساختاری در نهادهای سیاسی، نگرش مثبت به تعاملات بین‌المللی، و ضرورت پایبندی به سیاست‌های کلی نظام اشاره کرد.

اصطلاح «تعامل» به‌صورت گسترده‌ای در حوزه روابط بین‌الملل و دیپلماسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به نحوه تأثیرگذاری متقابل کنشگران سیاسی بر یکدیگر اشاره دارد (Faizullaev, 2014: 16). تعاملات سیاسی و اجتماعی در این چارچوب، نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی دولت‌ها ایفا می‌کنند. این تعاملات حوزه‌های گوناگونی را شامل می‌شوند؛ از جمله روابط دیپلماتیک رسمی، تبادلات فرهنگی و علمی، همکاری‌های اقتصادی و تجاری، تأثیرگذاری بر تصمیمات بین‌المللی و ایفای نقش در تضمین امنیت منطقه‌ای و جهانی.

برای مثال، روابط دوجانبه یا چندجانبه میان کشورها می‌تواند تأثیر چشم گیری بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آنها داشته باشد. چنین روابطی می‌تواند به ایجاد توازن در ساختار قدرت، تسهیل فرایند مذاکرات و توافقات بین‌المللی، و کاهش تنش‌های سیاسی و امنیتی کمک کند. به‌طورکلی، تعاملات سیاسی و اجتماعی در سطح سیاست خارجی کشورها، نقشی کلیدی در تقویت روابط بین‌المللی، تحقق عدالت جهانی، توسعه پایدار، صلح و امنیت بین‌المللی ایفا می‌کنند(Beitz, 1975: 171) .

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، شرایط علّی به رویدادها یا عواملی گفته می‌شود که در شکل‌گیری، ایجاد و گسترش پدیده مورد نظر نقش مؤثری دارند. این شرایط مقدم بر ظهور پدیده هستند و با بروز و ظهور آن‌ها، پدیده شکل می‌گیرد، توسعه می‌یابد و استمرار می‌یابد. در این تحقیق، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا عوامل مؤثر و ابعاد مختلف شرایط علّی

مؤثر در تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با جمهوری آذربایجان را برشمارند. مضمون‌های شناسایی‌شده در این بخش عمدتاً جنبه‌های مثبت داشتند. بر اساس تحلیل کدگذاری نهایی، ۴۲ مفهوم به‌عنوان شرایط علّی شناسایی و انتخاب شدند که این مفاهیم در قالب هشت مقوله اصلی دسته‌بندی گردیدند. این مقوله‌ها عبارت‌اند از: منافع ملی، واقع‌گرایی، سیاست‌های داخلی، سیاست خارجی، مقابله با تحریم‌ها، تقویت ارتباطات بین‌المللی، تقویت ارتباطات منطقه‌ای و اقدامات مثبت اقتصادی خارجی.

این بعد، بخشی از «زمینه» تحلیل پدیده است؛ به این معنا که شرح و تبیین پدیده از بستر واقعی و تجربیات عینی افراد، کلمات، رفتارها و سایر داده‌های به‌دست‌آمده از کسانی که مستقیماً درگیر موضوع هستند، استخراج می‌شود. هر یک از این عوامل زمینه ای یا بسترساز، نقش مهمی در شکل گیری و توسعه تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، به‌ویژه در روابط با جمهوری آذربایجان ایفا می‌کند. به بیان دیگر، این عوامل زیربنای لازم برای بهبود و ارتقای تعاملات در حوزه سیاست خارجی با کشور مذکور را فراهم می‌آورند.

در بخش دیگری از تحقیق، شرایط زمینه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفت. از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا زمینه‌های مؤثر و مؤلفه‌های مرتبط با ایجاد و توسعه تعاملات سیاسی و اجتماعی ایران در سیاست خارجی را معرفی کنند. مضمون‌های مربوط به شرایط زمینه‌ای عمدتاً مثبت ارزیابی شدند. بر اساس کدگذاری‌های نهایی، ۴۷ مفهوم به‌عنوان شرایط زمینه‌ای شناسایی شدند که در قالب ده مقوله کلان شامل حمایت‌ها، خدمت رسانی به نخبگان، مشارکت، اعتمادسازی، اقدامات اقتصادی داخلی، توسعه توان ملی، توسعه فرهنگ، تقویت زیرساخت‌ها، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی و استفاده بهینه از امکانات موجود طبقه‌بندی گردیدند.

شرایط مداخله‌گر به متغیرها و عوامل خاصی اشاره دارد که می‌توانند به‌صورت مثبت یا منفی بر روند اجرای راهبردها تأثیر بگذارند. به‌عبارت‌دیگر، شرایط مداخله‌گر شامل عوامل گسترده‌ای؛ مانند وضعیت اقتصادی، مسائل جمعی، فرهنگی، فضایی و غیره است که به‌عنوان تسهیل‌کننده یا محدودکننده راهبردها عمل می‌کنند. این عوامل ممکن است اجرای راهبردها را تسریع یا به تعویق بیندازند. از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد مؤلفه‌های دخیل در تعاملات سیاسی و اجتماعی ایران با جمهوری آذربایجان را برشمرده و بیان کنند. مضمون‌های مربوط به شرایط مداخله‌گر عمدتاً دارای بار مثبت بودند. بر اساس تحلیل

کدگذاری‌ها، ۱۷ مفهوم به‌عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شدند که در قالب چهار مقوله اصلی شامل ضعف دیپلماسی، ضعف‌های اقتصادی، تشدید ناکارآمدی‌ها و ضعف‌های عملکردی دسته‌بندی گردیدند.

راهبردها نشان‌دهنده نوعی از کنش‌ها و واکنش‌های فعالانه بازیگران در مواجهه با شرایط مختلف هستند. به بیان دیگر، این کنش‌ها در پاسخ به رویدادها و موقعیت‌های خاص و در راستای پدیده محوری شکل می‌گیرند. هدف اصلی از اتخاذ و اجرای راهبردها، مدیریت بهتر، تحقق مؤثرتر و اداره مطلوب‌تر پدیده در بستر و زمینه مشخص شده است. راهبردها به صورت سیستماتیک و هدفمند انتخاب می‌شوند و با توجه به علل و دلایل مؤثر، به کار گرفته می‌شوند. ازاین رو، استفاده از این راهبردها و استراتژی‌ها می‌تواند منجر به تقویت و تحقق مطلوب پدیده محوری شود.(Strauss & Corbin, 1990: 57)

به طور خاص، راهبردها فعالیت‌هایی هستند که کشور با به‌کارگیری آن‌ها می‌تواند تعاملات سیاسی و اجتماعی خود را در سیاست خارجی با جمهوری آذربایجان به شیوه‌ای مثبت تقویت کند. شایان‌ذکر است که راهبردها جنبه عملی و اقدام دارند و ماهیت فرایندی ندارند. در این تحقیق، ۴۶ راهبرد استخراج شد که این راهبردها در قالب ۱۰ گروه کلی طبقه‌بندی گردیدند؛ این گروه‌ها عبارت‌اند از: تعادل‌گرایی، تنش‌زدایی، کنترل افکار عمومی، مدیریت رسانه‌ها، تقویت قدرت سخت، ارتقای قدرت نرم، تقویت دیپلماسی، تأکید بر ارزش‌ها، تصویرسازی مثبت و تأکید بر هویت ملی و مذهبی.

پیامدها نتایج و دستاوردهای اجرای راهبردها را نشان می‌دهند. آن چه از مرور ادبیات تحقیق برمی‌آید، این است که تعاملات سیاسی و اجتماعی در سیاست خارجی می‌توانند پیامدهای مثبت گسترده‌ای داشته باشند. همچنین باید توجه داشت که تعاملات سیاسی و اجتماعی در سیاست خارجی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌دهی به روابط بین‌الملل ایفا کنند. برای مثال، نگرانی‌ها یا اختلافات در امور داخلی یک کشور ممکن است به تغییر در سیاست خارجی آن کشور منجر شود. افزون بر این، این تعاملات بر تعهدات بین‌المللی، همکاری‌های منطقه‌ای و حتی اقتصاد کشورها نیز تأثیرگذار هستند.

به طور خلاصه، پیامدهای شناسایی شده در این تحقیق پیرامون تعاملات سیاسی و اجتماعی شامل مواردی مانند: تمایل به گسترش روابط اقتصادی به شیوه‌ای راهبردی، حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان، تأکید بر استقلال و خودکفایی اقتصادی، تنوع در دسترسی به ابزارها و منابع بین‌المللی برای تأمین نیازهای اقتصادی، پولی و مالی، رویکرد توسعه‌گرایانه

مبتنی بر اقتصاد، مشارکت فعال در اقتصاد جهانی، بهره‌گیری مؤثر از ابزارهای اقتصادی در مذاکرات و چانه‌زنی‌ها، عضویت در مهم‌ترین سازوکارهای سیاسی - امنیتی و اقتصادی، توسعه همه جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، تقویت قدرت ملی، افزایش رضایت مردمی و تقویت ایمان و اراده مردم بوده است.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی یکی از عناصر کلیدی در چارچوب استراتژیک کلان هر کشور محسوب می‌شود که شامل مجموعه‌ای از اهداف مشخص برای حفظ منافع ملی و ارتقاء جایگاه آن کشور در عرصه بین‌الملل است. از جمله مهم‌ترین این اهداف، حفاظت از حاکمیت ملی است که به معنای دفاع از تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و توان تصمیم‌گیری دولت در برابر هرگونه نفوذ یا دخالت خارجی تعبیر می‌شود. در کنار این هدف بنیادین، سیاست خارجی تلاش می‌کند تا از طریق تقویت روابط تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تضمین دسترسی پایدار به منابع و بازارها، منافع اقتصادی کشور را در دنیای به هم پیوسته امروز تأمین و توسعه دهد.(Saaida, 2023: 144)

با توجه به نقش اساسی سیاست خارجی و اثرگذاری دیپلماسی و تعاملات بین‌المللی، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین الگوی تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با کشور جمهوری آذربایجان در قالب سیاست خارجی انجام گرفته است. بررسی‌ها و تحلیل‌های صورت‌گرفته پیرامون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال آذربایجان، عمدتاً تحت تأثیر رویکردهای سنتی به‌ویژه واقع‌گرایی بوده‌اند و به سایر دیدگاه‌ها و نظریات نوین کمتر پرداخته شده است.

تنها در سال‌های اخیر برخی پژوهشگران به بازاندیشی در رویکردهای حاکم پرداخته و نگرش‌های ساده‌انگارانه‌تری را در تحلیل سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی مطرح کرده‌اند. با این حال، بسیاری از ابعاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همچنان نیازمند تحلیل‌های جامع‌تر و چندبعدی از منظرهای نوین است.

در این پژوهش، تلاش شده تا با نگاهی ترکیبی و تحلیلی، الگویی مشخص برای تعاملات سیاسی و اجتماعی ایران با جمهوری آذربایجان در عرصه سیاست خارجی ارائه شود؛ الگویی که بتواند در چارچوب منافع ملی، ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و فرهنگی، و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی تحلیل و کاربردی گردد.

این مطالعه یک تحلیل جامع از تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های خارجی با کشور آذربایجان ارائه می‌دهد. با استفاده از روش نظریه مبتنی بر شواهد و انجام مصاحبه‌های عمیق با ۱۲ نفر از اساتید، خبرگان و مدیران ارشد در وزارت خارجه، این تحقیق ۱۸۳ کد را استخراج کرده و چندین یافته مهم شناسایی کرده است. بر اساس یافته های تحقیق شرایط علی مؤثر بر تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با کشور آذربایجان شامل منافع ملی، واقعیت‌گرایی، سیاست داخلی، مقابله با تحریم‌ها، تقویت ارتباطات بین‌المللی، تقویت ارتباطات منطقه‌ای، اقدامات مثبت اقتصادی خارجی بود. در همین خصوص بایستی اشاره کرد که با توجه به این مسائل، یک استراتژی سیاسی و اقتصادی جامع و دقیق برای تحقق منافع ملی و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی لازم است. این شامل انعطاف‌پذیری در سیاست داخلی و اقدامات مؤثر برای مقابله با تحریم‌ها، تقویت ارتباطات بین‌المللی و منطقه‌ای، و ارتقای رابطه با کشورهای خارجی است. تنها با ترکیب استراتژی‌هایی که بر اساس واقعیت های موجود و نیازهای اقتصادی و امنیتی کشور تعیین شده‌اند، می‌توان به توسعه پایدار و پر از اقدامات مثبت اقتصادی خارجی دست پیدا کرد. یافته‌های این بعد از مدل داده‌بنیاد تا حدودی همسو با مطالعات دهشیری و غفوری (۱۳۹۴)، سیمبر و همکاران (۱۳۹۹)، فلمز[1] (۲۰۰۷)، محمدی کیا (۱۴۰۲)، حسینی و احمدی (۱۴۰۰) و قاسمی و فرهادسرتنگی(۱۳۹۹) همسو است.

بر اساس یافته‌های تحقیق شرایط عام (شرایط زمینه‌ای) مؤثر بر تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با کشور آذربایجان شامل؛ حمایت ها، خدمت رسانی به نخبگان، مشارکت، اعتمادسازی، سیاست های خارجی، اقدامات اقتصادی داخلی توسعه توان ملی، توسعه فرهنگ، تقویت زیرساخت ها، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی، استفاده از امکانات موجود بود در همین خصوص بایستی اشاره کرد خدمت رسانی به نخبگان اهمیت بسیاری دارد چرا که آنها موردتوجه و حمایت جامعه هستند و می‌توانند به توسعه و پیشرفت کشور کمک کنند. اعتمادسازی و مشارکت شهروندان نیز اساسی برای پایداری سیاست های خارجی و اقتصادی داخلی است. سیاست خارجی قوی و هماهنگ، بهبود اقتصاد داخلی، توسعه توان ملی و فرهنگی، تقویت زیرساخت ها و مبارزه با فساد و بی‌عدالتی نیز از اهمیت بالایی برخوردارند. استفاده هوشمندانه از امکانات موجود نیز می‌تواند به توسعه و پیشرفت کشور کمک کند. یافته های این بعد تا حدودی با مطالعات خسروی و شهسواری

[1]. Flemes

(۱۳۹۵)، دیاموند[1] (۲۰۱۵)، اوزجان[2] (۲۰۲۳)، دینیز و ریبیرو[3] (۲۰۲۳)، ساندرز[4] (۲۰۲۲)، درزنر[5] (۲۰۲۱)، اسلامیان و حبیبی (۱۳۹۹)، مهرابی(۱۳۹۸)، پارسایی و همکاران (۱۳۹۸) و محمودی کیا و فرهادی (۱۳۹۸) همسو است.

بر اساس یافته های تحقیق راهبردهای مؤثر بر تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی کشور آذربایجان شامل؛ تعادل گرایی، تنش‌زدایی، کنترل افکار عمومی، کنترل رسانه ها، تقویت قدرت سخت، تقویت قدرت نرم، تقویت دیپلماسی، تأکید بر ارزش ها، تصویرسازی مثبت، تأکید هویت ملی مذهبی بود. در همین خصوص بایستی اشاره کرد تعادل گرایی، تنش‌زدایی، کنترل افکار عمومی، کنترل رسانه ها، تقویت قدرت سخت، تقویت قدرت نرم، تقویت دیپلماسی، تأکید بر ارزش ها، تصویرسازی مثبت، تأکید هویت ملی مذهبی در سیاست‌های خارجی اصول مهمی هستند که به‌وفور استفاده می‌شوند در سیاست های خارجی کشورها. این اصول به کشورها کمک می‌کنند تا روابط خود را با کشورهای دیگر برقرار و توسعه دهند و نقش مؤثری در جهان داشته باشند. اهمیت این اصول در افزایش نفوذ و تأثیر کشورها در امور بین‌المللی و توسعه روابط بین‌المللی بسیار مهم است. یافته های این بعد تا حدودی همسو با مطالعات؛ پوراحمدی و اسعدی (۱۴۰۳)، گوهر مقدم و همکاران (۱۴۰۲)، کوبیرچکا (۲۰۲۳)، شلودیاکوا[6] و همکاران(۲۰۲۱)، پارسایی و همکاران (۱۳۹۸)، جوادی ارجمند و گنج خانلو (۱۳۹۹) است

بر اساس یافته‌های تحقیق عوامل مداخله‌گر مؤثر بر تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با کشور آذربایجان شامل؛ ضعف دیپلماسی، ضعف‌های اقتصادی، دامن‌زدن به ناکارآمدی‌ها، ضعف‌ها عملکردی بود. در همین خصوص بایستی اشاره کرد ضعف در دیپلماسی می‌تواند منجر به ایجاد اختلافات بین کشورها و ناتوانی در حل دعواهای بین‌المللی شود. ضعف‌های اقتصادی نیز می‌تواند باعث کاهش امکانات مالی و توانایی در فعالیت‌های خارجی گردد. دامن‌زدن به ناکارآمدی‌ها ممکن است باعث تخریب ساختارهای اقتصادی و اجتماعی شود و اعتمادبه‌نفس کشور را زیان ببارانند. در نهایت، ضعف‌های عملکردی در سیاست خارجی می‌تواند به ناتوانی در دستیابی به اهداف ملی و افزایش ایرادات جامعه منجر شود. یافته های این بعد تا حدودی همسو با مطالعات؛

---

1. Diamond
2. Özcan
3. Diniz & Ribeiro
4. Saunders
5. Drezner
6. Sheludiakova

ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی(۱۳۹۹)، جعفری هفت‌خوانی و کوهکن(۱۳۹۸)، دامن پاک جامی(۱۳۹۷)، پرچمی و جلالی (۱۳۹۵)است

بر اساس یافته های تحقیق پیامدهای تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با کشور آذربایجان شامل؛ توسعه اقتصادی، تقویت پیمان‌های اقتصادی، توسعه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، تقویت قدرت ملی، رضایت بیشتر مرد، تقویت ایمان و اراده مردم بود در همین خصوص بایستی اشاره کرد که توسعه اقتصادی باعث افزایش شایستگی و پویایی اقتصادی کشور می‌شود و می‌تواند منجر به تقویت پیمان های اقتصادی با سایر کشورها شود. این امر، می‌تواند منجر به توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور گردد. توسعه اقتصادی می‌تواند به تقویت قدرت ملی و افزایش رضایت‌مندی مردم و همچنین تقویت ایمان و اراده مردم در سیاست خارجی کمک کند. یافته های این بعد تا حدودی همسو با مطالعات؛ اوزجان (۲۰۲۳)، ارباس[1](۲۰۲۲)، اسلامیان و حبیبی (۱۳۹۹)، مهرابی(۱۳۹۸)، پارسایی و همکاران (۱۳۹۸)، محمودی کیا و فرهادی (۱۳۹۸) و پامنت[2] (۲۰۱۶) است. بر اساس مدل اکتشافی مرحله اول، به سیاست‌مدارن و کارکنان وزارت خارجه توصیه می‌شود که اگر به دنبال ارتقای ظرفیت تعاملات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی هستند به مقوله‌های حمایت‌ها، خدمت‌رسانی به نخبگان، مشارکت، اعتمادسازی، سیاست خارجی، اقدامات اقتصادی داخلی توسعه توان ملی، توسعه فرهنگ، تقویت زیرساخت‌ها، مبارزه با فساد و بی‌عدالتی، استفاده از امکانات موجود توجه کنند و آنها را تقویت و بازسازی نمایند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، برای تقویت و گسترش روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان، اتخاذ مجموعه‌ای از راهبردهای مشخص و هدفمند ضرورت دارد. این راهبردها، در قالب ابعاد متنوعی همچون دیپلماسی فعال، شرایط علّی و مداخله‌گر، زمینه‌های ارتباطی و پیامدهای پیش‌رو، طراحی و پیشنهاد شده‌اند تا به شکل‌گیری تعاملاتی پایدار و سازنده میان دو کشور کمک کنند.

در گام نخست، اتخاذ رویکردی متعادل و تنش‌زدا در سیاست خارجی ایران نسبت به آذربایجان از اهمیت راهبردی برخوردار است؛ به‌ویژه در مواردی چون مسئله قره‌باغ یا تعاملات منطقه‌ای که می‌توانند بر روابط دوجانبه تأثیرگذار باشند. در این مسیر، تکیه بر گفت‌وگو، حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات، شناسایی منافع مشترک و بهره‌گیری از

---

[1]. Erbas
[2]. Pamment

پیوندهای فرهنگی و مذهبی، زمینه‌ساز کاهش تنش‌ها و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای خواهد بود.

از سوی دیگر، چالش‌هایی چون سوءبرداشت‌ها و تصویر منفی متقابل در فضای عمومی و رسانه‌ای، از موانع مهم در روابط دو کشور به شمار می‌روند. به همین دلیل، مدیریت هوشمندانه رسانه‌ها، به‌ویژه در فضای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، نقش کلیدی در اصلاح افکار عمومی و ارتقای تصویر ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. اجرای برنامه‌های مشترک فرهنگی، علمی و رسانه‌ای میان دو کشور می‌تواند بستر مناسبی برای شکل‌گیری درک متقابل و همگرایی فراهم سازد.

ترکیب قدرت سخت و قدرت نرم نیز از دیگر عناصر راهبردی در روابط ایران و آذربایجان است. تقویت همکاری‌های نظامی و امنیتی، مدیریت بحران‌های منطقه‌ای از یک‌سو و بهره گیری از ابزارهای دیپلماسی فرهنگی، آموزشی و دینی از سوی دیگر، می‌تواند موجب تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران در قفقاز جنوبی و تحکیم روابط دوجانبه شود.

در نهایت، ایران باید روابط دوجانبه با آذربایجان را در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای و چندجانبه بین‌المللی سامان دهد. برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌های دیپلماتیک، ارسال پیام‌های سیاسی هدفمند به کشورهای منطقه و تأکید بر الگوهای همکاری مشترک، زمینه را برای تقویت پیوندهای منطقه‌ای و تدوین توافق‌نامه‌های چندجانبه فراهم خواهد کرد. این راهبردها می‌توانند به افزایش ثبات منطقه ای، ارتقای امنیت جمعی و توسعه پایدار در حوزه قفقاز جنوبی یاری رسانند.

یکی از مؤثرترین ابزارهای جمهوری اسلامی ایران در تقویت روابط خود با جمهوری آذربایجان، برجسته‌سازی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های ملی و فرهنگی مشترک است. در این راستا، ایران باید از اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی بهره‌مند شود و این مؤلفه‌ها را در بسترهای بین المللی به طور مؤثر معرفی نماید. معرفی هویت دینی و ملی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند عاملی مؤثر در تقویت روابط دوجانبه با جمهوری آذربایجان و حتی تعامل با سایر کشورهای منطقه باشد. در این چارچوب، منافع ملی باید همواره محور اصلی تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی قرار گیرد. ازاین‌رو، تعامل با آذربایجان باید مبتنی بر رویکردی واقع‌گرایانه و با تمرکز بر منافع بلندمدت طراحی و اجرا شود. تدوین و اجرای راهبردهای دقیق در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی برای تحقق اهداف بلندمدت ایران در تعامل با آذربایجان ضروری است.

در شرایط فعلی که تحریم های بین‌المللی فشارهای قابل توجهی بر اقتصاد ایران وارد کرده‌اند، تقویت روابط منطقه‌ای و بین‌المللی از اولویت‌های اساسی کشور به شمار می‌آید. گسترش همکاری‌های اقتصادی با جمهوری آذربایجان و سایر کشورهای منطقه‌ای، می‌تواند ابزاری مؤثر برای کاهش اثرات تحریم ها و گشودن مسیرهای جدید تجاری باشد. در این راستا، اتخاذ استراتژی‌های هدفمند در حوزه های انرژی، حمل ونقل، فناوری و اقتصاد دیجیتال می‌تواند سطح همکاری‌ها را ارتقا بخشد.

توسعه همکاری‌های فناورانه در حوزه های اقتصادی، آموزشی و پژوهشی با جمهوری آذربایجان، می‌تواند نقش کلیدی در ارتقای جایگاه منطقه ای ایران ایفا کند. با توجه به تلاش آذربایجان برای توسعه ظرفیت های اقتصادی خود، انتقال فناوری‌ها و دانش فنی ایران می‌تواند به تعمیق روابط علمی و اقتصادی دو کشور بینجامد و بستر تعاملات بلندمدت را فراهم سازد.

از دیگر الزامات سیاست خارجی فعال، شناسایی و بهره‌برداری هوشمندانه از فرصت‌های بین المللی برای تقویت تعاملات دوجانبه است. تحولات اقتصادی و ژئوپلیتیکی جهانی، فرصت های نوینی را برای همکاری‌های راهبردی با جمهوری آذربایجان ایجاد کرده‌اند. در این بستر، ایران باید با نگاهی استراتژیک، برنامه‌های منسجم و چندلایه‌ای را برای بهره‌برداری حداکثری از این فرصت‌ها تدوین و اجرا کند.

در این چارچوب، شناسایی ظرفیت‌های موجود در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی برای تقویت پیوندها با آذربایجان، ضرورتی راهبردی به شمار می‌آید. اشتراکات دینی و تمدنی میان دو ملت، زمینه‌ساز گسترش همکاری‌های فرهنگی و دینی و تحکیم پیوندهای اجتماعی است.

مدیریت هوشمند تهدیدات و بهره‌برداری از فرصت‌های موجود، باید از طریق دیپلماسی فعال و استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای دنبال شود. این رویکرد می‌تواند ضمن کاهش تهدیدات احتمالی، فرصت‌های همکاری دوجانبه را در راستای منافع مشترک تقویت کند.

در نهایت، روابط ایران و آذربایجان می‌تواند به‌عنوان الگویی موفق از تعاملات سیاسی و اجتماعی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شود. برای تحقق این هدف، ایران باید هم‌زمان در حوزه‌های دیپلماسی، اقتصاد، فرهنگ و امنیت فعالیت کند و ضمن حفظ اصول هویتی خود، از ظرفیت‌های داخلی و خارجی در جهت پیشبرد منافع ملی بهره‌برداری نماید. توسعه همکاری با آذربایجان و دیگر کشورهای منطقه، می‌تواند مسیر تحقق اهداف کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را هموار سازد.

منابع و مأخذ

فارسی

ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، و اسمعیلی، محدثه. (۱۳۹۸). چالش‌ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه. **مجلس و راهبرد**، ۲۶(۹۷)، ۷۱-۱۰۵.

اسلامیان، مجتبی و حبیبی، رحمان. (۱۳۹۹). اقتصاد سیاسی در سیاست خارجی ج.ا.ایران؛ با تأکید بر سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا. **فصلنامه روابط خارجی**، ۱۲(۲)، ۳۳۷-۳۶۵.

بشیریه، حسین (۱۳۹۵). **دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران در دورهٔ جمهوری اسلامی ایران**. تهران: نشر نگاه معاصر.

پارسایی، اسماعیل، حافظ‌نیا، محمدرضا، احمدی‌پور، زهرا و سجادپور، سید محمدکاظم. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل ژئوپلیتیک مؤثر در سیاست خارجی. **جغرافیا و توسعه ناحیه ای**، ۱۷(۲)، ۱-۴۴.

پرچمی، داود، و جلالی، فاطمه. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر کارآمدی سیاسی دولت‌ها در منطقه غرب‌آسیا. **مطالعات راهبردی بسیج**، ۱۹(۷۱)، ۱۱۳-۱۳۹.

پوراحمدی، حسین و اسعدی، بهروز. (۱۴۰۳). اقتصاد سیاسی جهانی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. **پژوهشنامه روابط جهانی**، ۱(۲)، ۱-۴۱

جعفری هفت‌خوانی، نادر و کوهکن، محمدرضا. (۱۳۹۸). آسیب‌ها و موانع تحقق مردمی‌سازی دیپلماسی فرهنگی در ایران؛ یک پژوهش کیفی. **مطالعات قدرت نرم**، ۹(شماره ۱)، ۳۱-۷۰.

جوادی ارجمند، محمدجعفر و گنج خانلو، مصدق. (۱۳۹۹). الگوی روابط عوامل کلیدی تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. **فصلنامه سیاست**، ۵۰(۱)، ۲۱-۴۳.

حسینی، سید شمس‌الدین و احمدی، حسین. (۱۴۰۰). دیپلماسی دفاع اقتصادی ج.ا.ایران برای مقابله و کاهش اثرات تحریم‌های اقتصادی. **فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار**، ۶(۲۰)، ۴۷-۶۹.

خسروی، محمدعلی و شهسواری، شهره. (۱۳۹۵). فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کارآمدی سازمان‌های غیر دولتی جمهوری اسلامی ایران. **دولت پژوهی**، ۲(۸)، ۱۸۹-۲۲۹.

دامن‌پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۷)، تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، بررسی دستاوردهای چهار دهه گذشته و چالش‌های پیش‌رو، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال سی و دوم، شماره ۴، صص۱۵۸-۹۱.

دهشیری، محمدرضا و غفوری، مجتبی. (۱۳۹۴). الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست های خاورمیانه ای جدید آمریکا. **سیاست‌های راهبردی و کلان**، ۳(شماره ۱۲)، -.

سیمبر، رضا، رضاپور، دانیال، و آذین، صدیقه. (۱۳۹۹). سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای شورای همکاری خلیج فارس. **مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام**، ۲(۴)، ۵۰-۷۳.

عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۸). طبقات اجتماعی در رژیم شاه. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قاسمی، سامان و فرهادی سرتنگی، داود. (۱۳۹۸). تدوین راهبردهای دیپلماسی اقتصادی در حوزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران. **فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار**، ۴(۱۳)، ۱۳۱-۱۵۸.

گوهری مقدم، ابوذر، بشیری لحاقی، میثم، & کولیوند، یونس. (۱۴۰۲). سیاست همسایگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ الگوی پیشنهادی و توصیه‌های سیاستی. **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ۲۶(۲)، ۵۷-۸۱.

محمودی کیا، محمد و فرهادی، عباس. (۱۳۹۸). بررسی مقایسه‌ای کنش سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه بر اساس نظریه سازه‌انگاری. **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، ۱۲(۴۷)، ۱۵۱-۱۷۸.

مسعودنیا، حسین، و محمدی‌فر، نجات. (۱۳۹۰). طبقه متوسط جدید در ایران، تهدید یا فرصت. **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، - (۲۸۳).

مهرابی، فاطمه (۱۳۹۸). تعامل فرهنگی و سیاسی ایران با کشورهای منطقه و جهان. **پژوهش‌نامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی**، دوره: ۲، شماره: ۲۰.

لاتین

Alden، C.، and Aran، A. (*2016*). ***Foreign Policy Analysis**: New Approaches.* Routledge.

Azeez، I. A. A. (*2023*). "The Influence of Digital Diplomacy on Foreign Policy." **Journal of Tourism Economics and Policy** 3 (3): 189–203.

Beitz، C. R. (*1975*). "Justice and International Relations." **Philosophy & Public Affairs** 360–389.

Breuning، Marijke (*2007*). *Foreign Policy Analysis: A Comparative Introduction.* New York: Palgrave Macmillan.

Brighi، E.، and Hill، C. (*2008*). "Implementation and Behaviour." In **Foreign Policy: Theories، Actors، Cases**، 35–117.

Broek، M. (*2010*). ***Dynamics of Foreign Policy: An Analytical Review***. Routledge.

Cortell، A. P.، and Davis Jr، J. W. (*1996*). "How Do International Institutions Matter? The Domestic Impact of International Rules and Norms." **International Studies Quarterly** 40 (4): 451–478.

Crabb، C. V. M. (*1972*). *American Foreign Policy in the Nuclear Age.*

Damen Pak Jami، Morteza. (2018). "Transformation of Iran's Economic Diplomacy: Examining the Achievements of the Past Four Decades and Future Challenges." ***Foreign Policy Quarterly*** 32 (4): 91–158.

Diamond، L. (*2015*). "Foreign Aid in the National Interest: The Importance of Democracy and Governance." In **Foreign Aid and Foreign Policy**، 61–85. Routledge.

Diniz، S.، and Ribeiro، C. O. (*2023*). "The Role of the Brazilian Congress in Foreign Policy: An Empirical Contribution to the Debate." **Brazilian Political Science Review** 2: 10–38.

Donohue، L. K. (*2011*). "The Limits of National Security." **Georgetown Law Faculty Publications and Other Works** 1010.

Drezner، D. (*2021*). "Power and International Relations: A Temporal View." **European Journal of International Relations** 27 (1): 29–52.

Erbas، I. (*2022*). "Constructivist Approach in Foreign Policy and in International Relations." **Journal of Positive School Psychology** 6 (3): 5087–5096.

Faizullaev، A. (*2014*). "Diplomatic Interactions and Negotiations." **Negotiation Journal** 30 (3): 275–299.

Flemes، D. (*2007*). "Conceptualising Regional Power in International Relations: Lessons from the South African Case."

Gordell، K. M.، and Volgy، T. J. (*2022*). "Political Shocks in Foreign Policy and International Politics: An Alternative Approach." **Canadian Foreign Policy Journal** 28 (2): 109–126.

Ismail، N.، and Noor، M. N. M. (*2020*). "Instruments of Foreign Policy and the Functions of Diplomacy."

Kobierecka، A. (*2023*). "Post-COVID China: 'Vaccine Diplomacy' and the New Developments of Chinese Foreign Policy." **Place Branding and Public Diplomacy** 19 (3): 280–293.

Lee، D.، and Hocking، B. (*2015*). "Diplomacy." In **The International Encyclopaedia of Political Science**، edited by Bertrand Badie، Dirk Berk-Scholosser، and Leonardo Morlino. Sage.

Holsti, O. R. (1989). Models of international relations and foreign policy. **Diplomatic History**, 13(1), 15-43.

Morin، J. F.، and Paquin، J. (*2018*). *Foreign Policy Analysis: A Toolbox.* Springer.

Özcan، B. A. (*2023*). "Defining Environmental Security as a National Security Issue." **International Journal of Politics and Security** 5 (1): 73–94.

Pamment، J. (*2016*). ***Intersections between Public Diplomacy & International Development: Case Studies in Converging Fields.*** CPD Perspectives.

Saaida، M. (*2023*). "**The Interaction of State's Internal and Foreign Policies**: Priorities، Intersection، and Challenges."

Saunders، E. N. (*2022*). "Elites in the Making and Breaking of Foreign Policy." **Annual Review of Political Science** 25: 219–240.

Sheludiakova، N.، Mamurov، B.، Maksymova، I.، Slyusarenko، K.، and Yegorova، I. (*2021*). "Communicating the Foreign Policy Strategy: On Instruments and Means of Ministry of Foreign Affairs of Ukraine." In **SHS Web of Conferences** (Vol. 100، p. 02005). EDP Sciences.

Strauss، A.، and Corbin، J. (*1990*). ***Basics of Qualitative Research***. Vol. 15. Newbury Park، CA: Sage.

Thiers، C. (*2024*). "The Role of Political Leaders' Emotions in Shaping International Rivalries: The Case of Former Bolivian President Evo Morales." **Foreign Policy Analysis** 20 (1): orad033.

Thiers ،C. ،and Wehner ،L. E. (*2022*). "The Personality Traits of Populist Leaders and Their Foreign Policies: Hugo Chávez and Donald Trump." **International Studies Quarterly** 66 (1): sqab083.